

بررسی امکان برقراری مالیات بر سود سپرده‌های بانکی در ایران با تاکید بر کارایی تخصیصی

فرهاد خدادادکاشی^۱

سیاوش جانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۰۸

چکیده

در این مقاله به منظور بررسی امکان برقراری مالیات بر سود سپرده در ایران و تحلیل هزینه و منافع ناشی از این امر، ابتدا زیان رفاهی بر اساس تابع عرضه سپرده و تقاضای تسهیلات با استفاده از داده‌های سالانه برای دوره (۱۳۹۱-۱۳۵۲) برآورد شده است. نتایج حاصل از این برآورد نشان می‌دهد که با فرض اعمال یک واحد مالیات بر نرخ سود سپرده در سال ۱۳۸۹ و در نتیجه، افزایش نرخ سود به میزان یک درصد، زیان رفاهی ناشی از اخذ مالیات برابر با ۳۱۳۷ میلیارد ریال و درآمد دولت به میزان ۱۹۰۷۶ میلیارد ریال می‌باشد. در حالی که بار مالیاتی سپرده‌گذار ۰.۹۷ و بار مالیاتی متقاضی تسهیلات تنها ۰.۰۳ از یک واحد مالیات بر سود سپرده خواهد بود. همچنین یافته‌های این تحقیق دلالت بر آن دارد که بانکها در هدایت سپرده‌ها به سمت سرمایه‌گذاری نقش مثبتی را ایفاء می‌نمایند در حالی که مخارج دولت (که بخشی از آن ناشی از درآمدهای مالیاتی است) تاثیر منفی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. علاوه بر این دریافته‌ایم که کارایی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در مقایسه با سرمایه‌گذاری دولتی در اثر گذاری بر تولید بیشتر است. این نتایج گویای این واقعیت هستند که مالیات بر سود سپرده، موجب انحراف در تخصیص منابع شده و زیان اجتماعی را در پی خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: مالیات بر سود سپرده، زیان رفاهی، کارایی تخصیصی، تابع عرضه سپرده، تابع

تقاضای تسهیلات

۱- عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور khodadad@pnu.ac.ir

۲- عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) svv.jani@gmail.com

۱- مقدمه

گسترش پایه مالیاتی به همراه بهبود عملکرد نظام مالیاتی موجود از راهبردهای اساسی به منظور اصلاح ساختار نظام مالیاتی است. در کنار رویکرد گسترش پایه مالیاتی، دولتها در برخی مواقع با حذف مالیات (و ارائه معافیت مالیاتی) سعی می کنند زمینه هدایت منابع جامعه را به بخشهای خاصی از اقتصاد فراهم نموده و موجب رشد و توسعه آن شوند. اما نکته حائز اهمیت در بحث معافیت مالیاتی و یا گسترش پایه های مالیاتی، تشخیص و انتخاب صحیح موارد مشمول مالیات است. چرا که تشخیص نادرست در این زمینه، نه تنها ممکن است به زیان ناشی از کاهش درآمد مالیاتی دولت بیانجامد، بلکه زمینه انحراف تخصیص و توزیع منابع را فراهم نماید که در مجموع موجب کاهش بیشتر رفاه جامعه می گردد. بر این اساس لازم است در انتخاب موارد معافیت مالیاتی، منافع و هزینه های حاصل از برقراری آن را مورد توجه قرار دهیم.

طی سالهای گذشته در ایران معافیت و مشوق های مالیاتی به منظور نیل به اهداف مدنظر دولت به بخش های مختلف اقتصاد اعطا شده است. یکی از این موارد، معافیت سود سپرده های بانکی از پرداخت مالیات می باشد. از اهداف اعطای این معافیت می توان به حمایت از صنعت بانکداری، جذب منابع مردمی و افزایش پس انداز ملی به منظور هدایت آنها در بخش های مولد جامعه اشاره نمود که تحقق این اهداف همراه با هزینه هایی از جمله زیان ناشی از کاهش درآمدهای مالیاتی است. لذا به منظور بررسی امکان حذف معافیت مذکور لازم است منافع و هزینه های ناشی از آن مورد بررسی قرار گیرد و در این راستا به سؤالاتی از این قبیل که "وضع مالیات بر سود سپرده، حجم سپرده های بانکی را چه اندازه کاهش می دهد؟ اثر کاهش تسهیلات بر سرمایه گذاری چیست؟ هزینه های ناشی از معافیت، از جمله زیان ناشی از کاهش درآمد مالیاتی چه اندازه است؟ و با افزایش درآمد دولت ناشی از وضع مالیات، جامعه چه منافع و زیانهایی را کسب می نماید؟" پاسخ داده شود.

به منظور انجام این بررسی و پاسخ به سؤالات مذکور ساماندهی مطالب در این مقاله به این ترتیب بوده است که در بخش دوم مقاله ادبیات موضوع مورد بررسی قرار می گیرد و براساس آن در بخش سوم، چارچوب تحلیل هزینه و فایده اعمال مالیات بر سود سپرده معرفی می شود. مطابق با چارچوب معرفی شده، در بخش چهارم زیان رفاهی ناشی از برقراری مالیات مذکور برآورد شده و با منافع حاصل از برقراری این نوع مالیات مقایسه می گردد و در نهایت در بخش پنجم نتیجه گیری و پیشنهادات ارائه می شود.

۲- ادبیات موضوع

در ادبیات اقتصادی، برقراری مالیات دخالت در مکانیسم بازار بوده و دارای اثرات ناکارایی تخصیصی و زیان رفاهی است که در این بررسی، امکان برقراری مالیات به عنوان هزینه برقراری مالیات محسوب می شود. در کنار زیان رفاهی، موضوع درآمد ناشی از مالیات قرار دارد که می تواند در امور مورد نیاز جامعه صرف شده و اثرات رفاهی مثبتی را بوجود آورد. البته درآمد مالیاتی دولت با کاهش دسترسی فروشنده به درآمد و افزایش هزینه مصرف کننده خنثی می شود، اما دولتهای کارا می توانند با تخصیص صحیح منابع ناشی از مالیات، رفاه جامعه را بیش از هزینه مصرف کننده و فروشنده افزایش دهند و به این ترتیب زیان رفاهی ناشی از تخصیص ناکارای منابع را جبران نمایند.

همچنین علاوه بر اهمیت کارایی دولت، مسئله مهمی که در خصوص مالیات بر سود سپرده های بانکی مستلزم بررسی است کارایی بانکها در هدایت سپرده ها به امر تولید و سرمایه گذاری است. در این خصوص نیز اگر بپذیریم که بانکها در تخصیص منابع سپرده، بهتر از مردم عمل می نمایند در آن صورت کاهش سپرده ناشی از برقراری مالیات به ناکارایی در تخصیص منابع منجر شده و زیان رفاهی فوق الذکر را مورد تأیید قرار می دهد. اما اگر بانکها نتوانند در هدایت سپرده ها به سمت تولید، رفتار بهتری در مقایسه با مردم داشته باشند در آن صورت برقراری مالیات منجر به تخصیص بهتر منابع شده و منافع اجتماعی به همراه خواهد داشت.

در واقع دولت با اخذ مالیات از سود سپرده، علی رغم اینکه منابع درآمدی خود را افزایش داده و می تواند به تهیه زیرساخت های لازم برای جامعه پردازد که با فرض کارایی دولت، موجب افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی می گردد اما از طرفی با اعمال مالیات بر سود سپرده، حجم سپرده ها کم شده و قدرت تسهیلات دهی بانکها (عرضه پول) کاهش می یابد که خود موجب کاهش سرمایه گذاری و تولید می گردد. در واقع با برقراری مالیات بر سود سپرده، خانوارها سعی می کنند با تغییر در ترکیب محتوای دارایی از کاهش عایدی حاصل از دارایی های خود جلوگیری نمایند که حاصل آن کاهش میزان سپرده گذاری در سبد دارایی خانوار است. با کاهش حجم سپرده، هزینه تسهیلات افزایش و حجم آن کاهش می یابد که با فرض کارایی بانکها در هدایت سپرده ها، موجب کاهش سرمایه گذاری می گردد و از این طریق بر رشد اقتصادی تأثیر منفی خواهد داشت.

با عنایت به مراتب فوق، بررسی امکان برقراری مالیات بر سود سپرده علاوه بر تحلیل اثرات کارایی و محاسبه زیان رفاهی ناشی از اعمال مالیات، مستلزم بررسی اثرات نهایی برقراری مالیات بر سرمایه‌گذاری و تولید نیز می‌باشد.

در ادبیات نظری آثار تخصیصی مالیات بر سود سپرده در دو حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد. نخست اثر مالیات مذکور بر میزان پس‌انداز که در قالب مباحث تصمیم‌گیری مصرف بین دوره‌ای مطرح می‌شود و دیگری تاثیر مالیات بر ترکیب سبد داراییهاست که در ارتباط با تاثیر مالیات بر ارزشهای مورد انتظار از بازده و ریسک دارایی‌ها می‌باشد.

در گروه نخست افراد جامعه یا قرض‌گیرنده (متقاضی تسهیلات) و یا قرض‌دهنده (سپرده‌گذار) هستند. به افرادی که مقداری از درآمد خود در دوره جاری را برای مصرف در دوره آتی پس‌انداز می‌کنند، بهره پرداخت می‌شود. تغییرات این نرخ بهره که می‌تواند ناشی از برقراری مالیات بر بهره سپرده‌ها باشد موجب تغییر در ترکیب مصرف دوره جاری و آتی (پس‌انداز) می‌گردد. اثرات جانشینی و درآمدی ناشی از تغییرات نرخ بهره برای قرض‌گیرنده در یک جهت بوده و افزایش نرخ بهره موجب کاهش در قرض (پس‌انداز منفی) وی می‌گردد، اما با عنایت به اینکه اثرات درآمدی و جانشینی فرد قرض‌دهنده در جهت مخالف هم می‌باشند، اثر نهایی تغییرات نرخ بهره بر پس‌انداز وی نامشخص است.

سندمو (۱۹۸۵) با درونزا نمودن عرضه نیروی کار در الگوی مصرف دو دوره‌ای نشان می‌دهد که افراد سپرده‌گذار با کاهش نرخ بهره به دلیل کاهش اثر درآمدی، اقدام به عرضه نیروی کار بیشتر نموده و این امکان وجود دارد که پس‌انداز خود را افزایش دهند. همچنین وی در ادامه به ناقص بودن بازارها و عدم تقارن اطلاعات در دنیای واقعی اشاره نموده و نشان می‌دهد که محدودیت و جیره‌بندی اعتبارات، سبب کاهش اثر جانشینی برای قرض‌گیرنده می‌شود. لذا متقاضیان تسهیلات در شرایط محدود بودن اعتبارات، دارای حساسیت کمتری نسبت به نرخ بهره (یا مالیات بر بهره) هستند.

کینک (۱۹۸۰) با لحاظ درونزایی عرضه نیروی کار، نشان می‌دهد که در انتخاب بین مالیات بر دستمزد و مالیات بر بهره پس‌انداز، کشش‌های عرضه نیروی کار و پس‌انداز باید ملاک عمل قرار گیرند. در صورتی که عرضه نیروی کار نسبت به دستمزد بی‌کشش باشد و کشش پس‌انداز نسبت به نرخ بهره بالا باشد در آن صورت به منظور کاهش ناکارایی تخصیصی ناشی از اخذ مالیات، تنها

باید از دستمزد، مالیات اخذ گردد و مالیات بر بهره پس انداز صفر در نظر گرفته شود. اما در صورتی که پس انداز نسبت به نرخ بهره بی کشش باشد و عرضه نیروی کار نسبت به دستمزد پرکشش باشد مالیات بر بهره، بهترین پایه مالیاتی خواهد بود.

از آنجا که در یک سیستم تعادلی بسته با کاهش پس انداز، میزان سرمایه گذاری نیز کاهش می یابد، بار مالیاتی ناشی از مالیات بر بهره پس انداز، متناسب با کشش های توابع پس انداز و سرمایه گذاری بین دو گروه پس اندازکنندگان و سرمایه گذاران تقسیم می شود. در صورتی که قرض دهندگان نسبت به تغییرات بهره از حساسیت بالایی برخوردار باشند با برقراری مالیات بر بهره، حجم سپرده ها به شدت کاهش یافته و منابع لازم بر سرمایه گذاری تنزل می یابد و به این ترتیب سرمایه گذاران بدلیل پرداخت هزینه بالا و قبول بار مالیاتی بیشتر، سرمایه گذاری کمتری انجام خواهند داد. اما وقتی پس اندازکنندگان نسبت به نرخ بهره بی کشش باشند، بار مالیاتی توسط پس انداز کنندگان پرداخت خواهد شد.

در خصوص حوزه دیگر ادبیات نظری مربوط به تاثیر مالیات سود سپرده بر ترکیب سبد داراییها، می توان به مطالعاتی اشاره نمود که تاثیر مالیات سود سپرده بر ترکیب سبد داراییها را مورد توجه قرار می دهند. در این خصوص سندمو (۱۹۸۵) بیان می کند از آنجا که مالیات بر عایدی دارایی، ارزش های انتظاری آتی حاصل از دارایی ها و ریسک آنها را تغییر می دهد با وضع مالیات بر عایدی برخی از دارایی ها، خانوارها به منظور کاهش ریسک کل و حفظ ارزشهای آتی ترکیب سبد دارایی خود را تغییر می دهند.

مسن (۱۹۶۸) و استیگلیتز (۱۹۶۹) در چارچوب مطلوبیت انتظاری و با یک مدل ساده که در آن یک دارایی بدون ریسک و بازده (پول) و یک دارایی با ریسک و بازده وجود دارد و درآمدهای دارایی ریسکی دارایی توزیع پیوسته در دامنه $(-\infty, 1)$ می باشد، نشان می دهند که با برقراری مالیات بر عایدی دارایی ریسکی، سرمایه گذاران سهم دارایی ریسکی را در سبد دارایی افزایش می دهند که در نگاه اول به نظر می رسد این ناشی از اثر درآمدی مالیات باشد. اما آنها در توجیه این مسئله بیان می کنند در شرایط بدون ریسک، مالیات بر عایدی دارایی اثر جانشین منفی بر پس انداز است اما در شرایط ریسکی، درآمدهای آتی حاصل از دارایی با ریسک همراه بوده و برقراری مالیات بر عایدی دارایی نه تنها ارزشهای انتظاری بلکه واریانس و گشتاورهای بالای تابع توزیع احتمال درآمد آتی را

تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا سرمایه‌گذاران به منظور حفظ ارزش انتظاری و گشتاورهای تابع توزیع احتمال درآمدهای آتی، اقدام به افزایش سهم دارایی ریسکی در سبد داراییها می‌نمایند. در ادامه مسن و استیگلitz در الگوی ساده خود فرض می‌کنند که پول نیز به صورت سپرده نگه‌داری شود و به آن سود تعلق گیرد و به این ترتیب مالیات بر سود سپرده را در مدل معرفی می‌کنند. با معرفی این مالیات، آنها نشان می‌دهند که تقاضای افراد برای دارایی‌های ریسکی کاهش می‌یابد.

سندمو (۱۹۸۵) مدل مذکور را به حالتی که در آن چند دارایی ریسکی وجود دارد، گسترش می‌دهد و بدون هیچ فرضی در خصوص تابع توزیع احتمال مشترک بازده دارایی‌ها، نتایج مسن و استیگلitz را مورد تأیید قرار می‌دهد. این نتیجه در تضاد با نتایج مطالعاتی است که نشان می‌دهند کشورهایی که از ثبات اقتصادی و بازار مالی توسعه یافته برخوردارند، وضع مالیات بر سود سپرده توجیه اقتصادی دارد، اما در جوامعی که از ثبات اقتصادی لازم برخوردار نیستند، اخذ مالیات از سود سپرده موجب خروج منابع مالی از بانکها و سرمایه‌گذاری آنها در بخش‌های غیر مولد اقتصادی (از قبیل بازر ارز و سکه) خواهد شد.

فرض مهمی که در مطالعه مسن و استیگلitz وجود دارد جبران زیان سرمایه‌گذار توسط جامعه است که در شکل تابع توزیع احتمال بازده دارایی مستتر می‌باشد. اگر چنین فرضی وجود نداشته باشد و نرخ مالیات بر عایدی نیز بالا باشد، این احتمال زیاد است که تقاضا برای دارایی ریسکی کاهش یابد. در این خصوص آنها نتیجه می‌گیرند که بدون توجه به محدودیت‌ها و فروض تابع مطلوبیت، مالیات بر عایدی دارایی‌های ریسکی به تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده میزان تقاضا برای دارایی‌های مذکور باشد.

مطالعات انجام شده در خصوص مالیات مطلوب بر عایدی حاصل از پس‌انداز، نتایج واحدی را ارائه نمی‌کنند. به عنوان مثال ائرباک (۱۹۸۱) با در نظر گرفتن ترکیبی از داراییها و مفروضات در خصوص ترجیحات افراد نشان می‌دهد که اولاً، نرخ‌های مالیاتی بر عایدی انواع دارایی‌ها باید متفاوت باشد. ثانیاً، از بازده دارایی‌های با ریسک بیشتر، مالیات بیشتری اخذ شود. در صورتی که نتایج مطالعه استیگلitz بر اخذ مالیات بیشتر از دارایی‌ها با ریسک کمتر از جمله سپرده‌ها تأکید دارد. در این خصوص سندمو با مرور مطالعات مشابه به این نتیجه می‌رسد که بخاطر تفاوت در قوانین مالیاتی و خاص بودن شرایط و ساختار حاکم بر بازارهای مالی هر کشور، ارائه قاعده مشخص برای

نرخ مالیات بر بازده انواع دارایی دشوار است و سیاستهای مالیاتی در خصوص مالیات بر عایدی پس انداز باید براساس نهادها، ساختار بازار مالی و پولی و همچنین سیستم مالیاتی متناسب با هر کشور طراحی و اجرا شود. فلستاین (۱۹۷۶) نیز با بررسی داده های ایالات متحده نتایج مشابهی را ارائه می کند. وی در این زمینه ساختار بازار و قوانین مالیاتی را مورد تاکید قرار می دهد. مطالعه کمینال (۲۰۰۲) نیز در خصوص تاثیر مالیات سود سپرده بر حجم سپرده حاکی از آن است که تاثیر این مالیات بر حجم سپرده، به عوامل زیادی از جمله درجه رقابت و سودآوری بانکها، میزان توسعه بازارهای مالی و وجود ابزارهای مالی کارا، درجه ریسک محیط سرمایه گذاری و قوانین مالیاتی بستگی دارد.

بر اساس مطالب فوق با عنایت به اینکه ساختار بازار مالی در ایران بر پایه بانک می باشد، لازم است برای بررسی اثرات مالیات بر سود سپرده، ساختار نظام بانکی در این خصوص مورد مطالعه قرار گیرد. در این خصوص کمینال (۲۰۰۲) با مطالعه اثر انواع مالیات در سیستم بانکی نشان می دهد در صورتی که بانکها از قدرت بازاری برخوردار باشند مالیات بر سود سپرده با کاهش سود سپرده گذاران و سرمایه گذاران (دریافت کنندگان تسهیلات) منجر به کاهش پس انداز و سرمایه گذاری می گردد، چرا که در این حالت بار مالیاتی توسط سپرده گذاران و سرمایه گذاران پرداخت می شود نه بانکها.

از مهمترین بررسی های صورت گرفته در زمینه ساختار بازار در سیستم بانکی ایران می توان به مطالعه انجام شده توسط پژوهان و شفیع (۱۳۸۷)، خدادادکاشی و همکاران (۱۳۹۱)، نظریان، فرهادی پور و فرجی (۱۳۹۲) و طرح مطالعاتی که توسط حسینی و همکارانش (۱۳۸۷) صورت گرفته اشاره نمود. پژوهان و شفیع با بررسی درجه انحصار سیستم بانکی بیان می کنند که علی رغم گسترش بانک خصوصی در ایران هنوز صنعت بانکداری با بازار رقابتی فاصله دارد. این در حالی است که نظریان و همکارانش با برآورد قدرت بازاری بانکها در ایران بر اساس روش پانزار و راس نشان می دهند که با افزایش درجه رقابت بین بانکها، اثربخشی ابزار سیاست پولی (نرخ سپرده قانونی) از طریق کانال وام دهی بیشتر می شود. آنها تابع تقاضای تسهیلات بانکی را تابعی از شاخص سیاست پولی (نرخ سپرده قانونی)، نرخ رشد تولید، درجه رقابت بانکها، نقدینگی و سرمایه بانک در نظر می گیرند. در این خصوص حسینی و همکاران با برآورد تابع عرضه سپرده و تقاضای تسهیلات نشان می دهند نرخ سود، تعداد شعب، میزان اشتغال بر عرضه سپرده تاثیر معنی داری دارد. همچنین ارزش افزوده، تعداد شعب، نرخ سود تسهیلات بر تقاضای تسهیلات موثر هستند. تقوی و لطفی (۱۳۹۰)

عرضه سپرده و تقاضای تسهیلات را به صورت تابعی از تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، شاخص سیاست پولی (نرخ سپرده قانونی)، تعداد شعب، ویژگی بانکها (اندازه بانک و...) مورد بررسی قرار دادند. با عنایت به مراتب فوق به منظور بررسی امکان برقراری مالیات و تحلیل هزینه و فایده ناشی از آن، علاوه بر محاسبه هزینه رفاهی و منافع ناشی از تخصیص درآمد مالیاتی توسط دولت (اثر بخشی دولت)، با عنایت به نقش واسطه گری بانکها بین سپرده گذاران و متقاضیان تسهیلات، لازم است اثر بخشی بانکها در هدایت سپرده ها به سمت بخش مولد مد نظر قرار گیرد و به این ترتیب اثر نهایی برقراری مالیات سود سپرده بر سرمایه گذاری و تولید مورد توجه قرار گیرد.

۳- معرفی چارچوب محاسبه هزینه و منافع ناشی از برقراری مالیات بر سود سپرده

با عنایت به ادبیات بررسی شده در بخش قبلی و به منظور برآورد هزینه و منافع ناشی از برقراری مالیات بر سود سپرده، لازم است ابتدا هزینه رفاهی ناشی از اعمال مالیات مذکور مدنظر قرار گیرد. برای انجام این امر، تابع عرضه سپرده و تسهیلات به صورت روبه‌رو معرفی می‌گردد.

$$de = f(r^d, inf, y, x) \quad (۱)$$

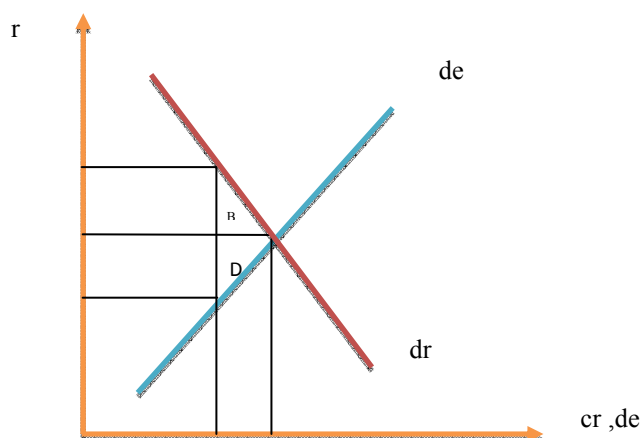
$$cr = f(r^L, liq, y, x) \quad (۲)$$

که در آنها de و cr به ترتیب عرضه سپرده^۱ و تقاضای تسهیلات می‌باشد. همچنین r^d و r^L به ترتیب نرخ موزون سود سپرده و نرخ موزون سود مورد انتظار تسهیلات می‌باشد. البته با عنایت به اینکه نرخ های سپرده و تسهیلات مذکور دارای همبستگی بالای (۹۵ درصد) می‌باشند، می‌توان تقاضای تسهیلات را نیز تابعی از نرخ موزون سود سپرده ها (به عنوان متغیر ابزاری) در نظر گرفت. این موضوع با عنایت به اینکه هدف این مطالعه امکان برقراری مالیات بر سود سپرده می‌باشد، ضروری است. نماد x, liq, inf, y به ترتیب به تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نقدینگی و متغیر های کنترلی اشاره دارند. با توجه به رویکرد هاربرگر، زیان رفاهی ناشی از وضع مالیات برابر با مثلث $(B+D)$ در نمودار (۱) است. با تخمین توابع عرضه سپرده و تقاضای وام می‌توان این زیان رفاهی را محاسبه نمود.

$$DWL = 1/2 * dT * dQ \quad (۳)$$

۱ - سپرده ها در مقاله حاضر شامل سپرده های سرمایه گذاری (کوتاه مدت و بلندمدت) بوده و سپرده های جاری و قرض الحسنه را شامل نمی‌شود.

نمودار (۱)



اما در بحث امکان سنجی علاوه بر زیان اجتماعی، باید به منافع حاصل از وضع مالیات نیز توجه شود. همانطور که در قسمت ادبیات موضوع بیان شد مالیات بر نرخ سود سپرده های بانکی از دو طریق بر سرمایه گذاری بخش خصوصی تاثیر گذار است؛ اولاً با وضع این مالیات، سپرده های بانکی و لذا تسهیلات پرداختی بانکها به بخش خصوصی کاهش می یابد، ثانياً با اخذ مالیات بر سود سپرده، درآمد دولت افزایش یافته و لذا دولت این توانایی را خواهد داشت که با ایجاد زیرساخت های لازم، بخش خصوصی را به سرمایه گذاری تشویق نماید. به این ترتیب پاسخ به این سوال به منظور امکان سنجی وضع مالیات، حائز اهمیت خواهد بود که آیا وضع مالیات بر نرخ سود سپرده، موجب انحراف منابع از سرمایه گذاری شده و سرمایه گذاری را کاهش می دهد یا خیر؟ برای بررسی این موضوع لازم است اثر گذاری مخارج دولت و تسهیلات بانکی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی را مورد ارزیابی و مقایسه قرار دهیم.

مطالعات زیادی در خصوص تاثیر مخارج دولت (به تفکیک مخارج سرمایه ای و مصرفی) و همچنین اثر تسهیلات بانکی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی صورت گرفته است که در اینجا با عنایت به مطالعه صورت گرفته توسط مهرگان و سپهبان (۱۳۹۲) تابع سرمایه گذاری به صورت ذیل در نظر گرفته می شود.

$$I=f(y,Gc,Gi,cr,inf,x) \quad (۴)$$

که در آن I سرمایه گذاری بخش خصوصی Gc, Gi به ترتیب مخارج سرمایه گذاری و مصرفی دولت، Cf حجم تسهیلات، inf نرخ تورم و X مجموعه از متغیرهای کنترلی می باشند و در نهایت به منظور بررسی مقایسه کارایی مخارج دولتی (سیاست مالی) و تسهیلات بر تولید می توان براساس رویکرد مدل های رشد و براساس مطالعات انجام شده از جمله مطالعه طیب نیا (۱۳۸۷) معادله ذیل را مورد استفاده قرار داد.

$$y=f(I, Gi, L, oil, X) \quad (۵)$$

که در آن y تولید ناخالص داخلی، I سرمایه گذاری بخش خصوصی، Gi مخارج سرمایه گذاری دولت، L نیروی کار (اشتغال)، oil درآمد نفتی و X متغیرهای کنترلی می باشد. با برآورد توابع فوق نقش مالیات بر سود سپرده در انحراف از تخصیص بهینه منابع و همچنین اثرگذاری دولت در تخصیص مجدد منابع حاصل از مالیات بر سود سپرده مورد بررسی قرار می گیرد.

۴- تحلیل هزینه و فایده

بر اساس توضیحات بخش قبلی ابتدا زیان رفاهی ناشی از برقراری مالیات بر سود سپرده برآورد می گردد. برای این منظور لازم است تابع عرضه سپرده و تقاضای تسهیلات مطابق با الگوهای معرفی شده در بخش قبلی یعنی معادله (۴) و (۵) برآورد گردد. نتایج حاصل از برآورد مدل ها با استفاده از داده های سالانه دوره (۱۳۹۱-۱۳۵۲) عبارتند از:

(۶) تابع عرضه سپرده

$$De = 17717 + 6464r + 0.72Liq - 2055(Y/N) - 179t^2 - 68293D_{8586} \quad (1.3) \quad (3) \quad (91) \quad (-5) \quad (-7) \quad (-9)$$

$$R^2 = 0.99, \bar{R}^2 = 0.99, prob(F) = 0.000, D.W = 1.85$$

$$CR = -895244 - 214225r - 10784 inf + 1.67 y(-1) + 67784t - 612831D_{8283}$$

(۷) تابع تقاضای تسهیلات

$$R^2 = 0.93, \bar{R}^2 = 0.92, prob(F) = 0.000, D.W = 1.27$$

همانطور که از نتایج برآوردها پیداست الگوها به لحاظ آماری معنی‌دار بوده^۱ و ضرایب متغیرها با مبانی نظری سازگار می باشد. نرخ سود بر حجم سپرده تاثیر مثبت و بر تقاضای تسهیلات تاثیر منفی دارد. بر اساس نتایج بدست آمده با افزایش نقدینگی، حجم سپرده ها افزایش می یابد اما با افزایش رشد اقتصادی میزان عرضه سپرده کاهش می یابد. این امر موید این موضوع است که با بهبود وضعیت اقتصادی کشور و پیدا شدن فرصتهای سرمایه‌گذاری سودآور، مردم ترجیح می دهند به جای سپرده گذاری (در سپرده های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلندمدت) و کسب سود از این طریق، در فعالیتهای دیگر همانند بورس اوراق بهادار سرمایه گذاری کنند. این نتیجه گیری با عنایت به ویژگی اقتصاد ایران که نرخ سود بانکها در آن نسبت به شرایط رونق و رکود اقتصادی از ثبات نسبی برخوردار است، سازگار است.

با عنایت به روابط ۶ و ۷، در صورتی که نرخ سود بر روی محور عمودی نشان داده شود، شیب منحنی عرضه سپرده نسبت به تقاضای تسهیلات زیاد می باشد و این امر نشان‌دهنده کشش بالای تقاضای تسهیلات در مقایسه با عرضه سپرده نسبت به نرخ سود می باشد. بر اساس معادلات فوق، برای سال ۱۳۸۹ در نقطه تعادل نرخ سود ۱۵.۴ درصد و میزان سپرده و تسهیلات ۱۹۱۳۸۹۸ میلیارد ریال محاسبه می شود.^۲ با فرض یک واحد مالیات بر نرخ سود سپرده ها نقطه تعادل با ۶۲۷۴ میلیارد ریال کاهش به رقم ۱۹۰۷۶۲۳ میلیارد ریال می‌رسد و نرخ سود سپرده برای سپرده گذار بعد از کسر مالیات به ۱۴.۴۴ و برای متقاضی تسهیلات به ۱۵.۴۴ درصد بالغ می‌گردد. بر این اساس بار مالیاتی سپرده گذار ۹۷ درصد و متقاضی تسهیلات تنها ۳ درصد از یک واحد مالیات بر سود سپرده خواهد بود و با عنایت به توضیحات ارائه شده در بخش قبلی بر اساس رویکرد هاربرگر، زیان رفاهی ناشی از اخذ مالیات برابر با ۳۱۳۷ میلیارد ریال برآورد می شود ($DWL=1/2*dt*dq$). همچنین درآمد دولت از اعمال یک واحد مالیات بر سود سپرده ۱۹۰۷۶ میلیارد ریال می باشد.

در ادامه به منظور بررسی کارایی بانکها در هدایت سپرده ها به سمت سرمایه گذاری و همچنین تاثیر مخارج دولت بر سرمایه گذاری به برآورد معادله (۴) می پردازیم.

۱- آزمون هم انباشتگی نیز بر مانایی پسماندها دلالت دارد.

۲- به خاطر وجود ثبات نسبی اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۹ سال مذکور برای محاسبات زیان رفاهی در این مطالعه انتخاب شده است.

$$\text{Log}(I) = -2 + 0.89\text{Log}(y) - 0.54\text{Log}(GC) - 0.42\text{Log}(GI) + 0.11\text{Log}(CR) - 0.15\text{Log}(inf) + 0.04dw \quad (۸)$$

$$(4) \quad (-2) \quad (1.7) \quad (-2.4) \quad (1.3) \quad (3.7) \quad (-1)$$

$$R^2 = 0.87, \bar{R}^2 = 0.83 \quad F(\text{prob}) = 000 \quad DW = 1.8$$

همانطور که ملاحظه می شود نتایج برآورد مدل به لحاظ آماری معنی دار بوده و ضرایب آن با تئوری سازگار می باشد. رابطه مستقیم رشد اقتصادی با سرمایه گذاری موید نظریه شتاب و رابطه مثبت میان سرمایه گذاری بخش خصوصی با تولید ناخالص داخلی است. در واقع با بهبود شرایط اقتصادی کشور، سرمایه گذاران بخش خصوصی برای منتفع شدن از وضعیت بازار، اقدام به سرمایه گذاری نموده و بدین ترتیب سرمایه گذاری بخش خصوصی افزایش می یابد. همچنین افزایش سپرده و به تبع آن اعطای اعتبارات و تسهیلات توسط شبکه بانکی به بخش خصوصی منجر به افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی می گردد که نشان می دهد بازار پول یکی از ارکان مهم بازار مالی در کشور می باشد و شبکه بانکی می تواند با وام دهی، سرمایه گذاری های مولد بخش خصوصی را تقویت کند. لذا اخذ مالیات بر سود سپرده با کاهش حجم سپرده و در نتیجه انحراف منابع از سرمایه گذاری، منجر به تخصیص ناکارآمد منابع شده و زیان رفاهی (مثلت زیان اجتماعی نمودار ۱)) را به همراه خواهد داشت. این در حالی است که بر اساس نتایج حاصل از رابطه (۸)، افزایش هزینه های مصرفی دولت رابطه معنی داری با سرمایه گذاری بخش خصوصی ندارد و سرمایه گذاری دولتی نیز بر سرمایه گذاری بخش خصوصی تاثیر منفی دارد. لذا بر اساس کارایی مخارج دولت در اثرگذاری بر سرمایه گذاری مطابق با رابطه (۸) می توان گفت دولت با اخذ مالیات و هزینه نمودن منابع حاصل از آن نمی تواند کاهش سرمایه گذاری ناشی از وضع مالیات را جبران نماید.

از دلایل منفی بودن رابطه بین سرمایه گذاری دولتی و سرمایه گذاری خصوصی می توان به دولتی بودن سیستم بانکی کشور، کنترل نرخ بهره از طرف بانک مرکزی، عدم استقلال بانک مرکزی و افزایش هزینه های عمرانی دولت اشاره نمود که خود موجب افزایش نقدینگی و تورم و به علاوه سبب ایجاد محدودیتهای اعتباری برای بخش خصوصی به دلیل تخصیص منابع بانکی به بخش دولتی می گردد. این موضوع دلالت بر آن دارد که با اخذ مالیات بر سود سپرده و افزایش مخارج دولت از این طریق، در واقع دولت جایگزین بخش خصوصی می گردد. همچنین نتایج برآوردها حاکی از تاثیر منفی افزایش تورم و رشد نسبی قیمتها بر سرمایه گذاری بخش خصوصی است که مطابق با نتایج مطالعات قبلی است.

در نهایت به منظور ارزیابی تاثیر مخارج دولتی و سرمایه گذاری بخش خصوصی بر تولید با استفاده از رویکرد تابع تولید به برآورد معادله (۵) پرداخته می شود. در این معادله تولید تابعی از سرمایه گذاری بخش دولتی و بخش خصوصی، درآمد نفت و نیروی کار است.

$$\text{Log}(y) = 2.65 + 0.27\text{Log}(y_{t-1}) + 0.22\text{Log}(I) + 0.17\text{Log}(G) + 0.16\text{Log}(ol) + 0.17\text{Log}(L) \quad (9)$$

(3.8) (2.7) (3.4) (2.3) (5) (2.9)

$$R^2 = 0.95, \bar{R}^2 = 0.94, \text{prob}(F) = 0.000, D.W = 1.6$$

چنانچه ملاحظه می شود الگو به لحاظ آماری معنی دار بوده و ضرایب بدست آمده با تئوری سازگار است. همچنین کشش تولید نسبت به سرمایه گذاری خصوصی بیش از کشش تولید نسبت به سرمایه گذاری دولتی است که دلالت بر کارایی بالاتر سرمایه گذاری بخش خصوصی دارد. با عنایت به نتایج فوق می توان گفت اخذ مالیات بر سود سپرده علاوه بر اینکه موجب انحراف منابع از سرمایه گذاری شده و زیان اجتماعی را به همراه دارد، بلکه درآمد حاصل از این مالیات نیز که توسط دولت سرمایه گذاری می شود به اندازه سرمایه گذاری بخش خصوصی کارایی نداشته و از این بابت نیز زیان اجتماعی مضاعفی به جامعه تحمیل می شود.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

در این مطالعه امکان اخذ مالیات از سود سپرده های بانکی در ایران مورد بررسی قرار گرفت. به همین منظور در قسمت ادبیات موضوع ضمن تحلیل مبانی و رویکرد هزینه و فایده در خصوص برقراری مالیات بر سود سپرده، نقش کارایی دولت و بانک مورد تحلیل قرار گرفت.

با عنایت به مراتب فوق و به منظور بررسی امکان برقراری مالیات بر سود سپرده و تحلیل هزینه و منافع ناشی از این امر، ابتدا زیان رفاهی بر اساس تابع عرضه سپرده و تقاضای تسهیلات و با استفاده از داده های سالانه برای دوره (۱۳۹۱-۱۳۵۲) برآورد گردید. نتایج حاصل از این برآورد نشان می داد که تقاضای تسهیلات نسبت به نرخ سود دارای کشش بیشتری در مقایسه با عرضه سپرده نسبت به نرخ سود می باشد. همچنین با فرض یک واحد مالیات بر نرخ سود سپرده ها (افزایش ۱ درصدی نرخ سود سپرده برای سال ۱۳۸۹، زیان رفاهی ناشی از اخذ مالیات برابر با ۳۱۳۷ میلیارد ریال و درآمد دولت به میزان ۱۹۰۷۶ میلیارد ریال برآورد گردید. در حالی که بار مالیاتی سپرده گذار ۰.۹۷ و بار مالیاتی متقاضی تسهیلات تنها ۰.۰۳ از یک واحد مالیات بر سود سپرده خواهد بود.

در ادامه با بررسی کارایی بانکها در هدایت سپرده ها به سمت سرمایه گذاری و همچنین تاثیر مخارج دولت بر سرمایه گذاری بخش خصوصی این نتیجه حاصل شد که سپرده و تسهیلات دارای تاثیر مثبت بر سرمایه گذاری بوده و بانکها در هدایت سپرده ها به سرمایه گذاری نقش مثبتی را ایفاء می نمایند. اما سرمایه گذاری دولتی تاثیر منفی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی دارد که نشان می دهد دولت با اخذ مالیات بر سود سپرده (که موجب محدودیت اعتبارات برای بخش خصوصی می گردد) و افزایش مخارج دولت از این طریق، جایگزین بخش خصوصی می گردد.

این نتایج که در حمایت از نتایج مطالعات قبلی از جمله مطالعه مهرگان می باشد، در حالی است که بررسی تاثیر سرمایه گذاری دولتی و خصوصی بر تولید نیز حاکی از کارایی بیشتر سرمایه گذاری بخش خصوصی در مقایسه با سرمایه گذاری بخش دولتی است.

با عنایت به نتایج فوق می‌توان گفت مالیات بر سود سپرده، موجب انحراف در تخصیص منابع شده و زیان اجتماعی را در پی خواهد داشت چرا که با اخذ این نوع مالیات، اعطای تسهیلات و سرمایه گذاری بخش خصوصی کاهش خواهد یافت و با عنایت به تاثیر منفی سرمایه گذاری دولتی بر بخش خصوصی، می‌توان گفت با اعمال مالیات بر سود سپرده دولت جایگزین بخش خصوصی می‌گردد در حالی که کارایی دولت در تخصیص درآمد حاصل شده از اخذ مالیات در مقایسه با بخش خصوصی پایین می‌باشد. لذا اخذ مالیات بر سود سپرده در شرایط فعلی برای اقتصاد ایران به صرفه نبوده و موجب کاهش رشد اقتصادی می‌گردد.

فهرست منابع

- ۱- تقوی، مهدی و لطفی، علی اصغر، بررسی اثرات سیاست پولی بر حجم سپرده ها، نقدینگی و تسهیلات اعطایی نظام بانکی، صفحات ۱۳۱-۱۶۵.
- ۲- پژوهان، جمشید، شفیعی، افسانه (۱۳۸۷)، تحلیل ساختار در صنعت بانکداری ایران، کاربرد تجربی شاخص U دیویس، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۵ شماره ۴، صفحه ۸۱-۱۰۵.
- ۳- حسینی، صفر، شعبانی، زهره و رفیعی، حامد (۱۳۸۸)، طرح مطالعاتی «بررسی قدرت بازاری شبکه بانک های دولتی در ایران»، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ایران.
- ۴- خدادادکاشی، فرهاد و حاجیان، محمدرضا (۱۳۹۱)، ارزیابی کارایی هزینه ای در صنعت بانکداری، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، سال هجدهم، شماره ۱، صفحات ۳-۲۴.
- ۵- رافیک، نظریان، فرهادی پور، محمدرضا و فرجی، علی (۱۳۹۲)، تأثیر رقابت در صنعت بانکداری بر اثربخشی انتقال آثار سیاست پولی از طریق کانال وام دهی، فصلنامه روند، سال بیستم، شماره های ۶۱ و ۶۲، بهار و تابستان، ۱۳۹۲، صفحات ۴۳-۷۴.
- ۶- طیب نیا و همکاران (۱۳۸۷)، مقایسه کارایی سرمایه گذاری بخش دولتی و خصوصی، مجله برنامه و بودجه شماره ۸۷، صفحات ۳-۳۶.
- ۷- مهرگان، نادر و سپهیان، اصغر (۱۳۹۲)، بررسی اثرات کوتاه مدت و بلندمدت مخارج دولتی و تورم بر سرمایه گذاری بخش خصوصی، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، سال هجدهم، شماره ۲، صفحات ۳-۲۲.
8. Auerbach, A.J. (1981), Evaluating the Taxation of Risky Assets, Working Paper No. 806.
9. Caminal, R. (2002), Taxation of Banks: A Theoretical Framework, digital.csic.es/bitstream/10261/1881/1/52502.pd.
10. Feldstein, M.S., 1976, Personal Taxation and Portfolio Composition: An Econometric Analysis *Econometrica*, 44, 631-650.
11. King, M.A. (1980), Savings and Taxation, in: G.A. Hughes and G.M. Heal, eds., *Public Policy and the Tax System* (Allen & Unwin, London).

12. Mossin, J. (1968), Taxation and Risk-taking: An Expected Utility Approach, *Economica* 35, 74-82.
13. Sandmo, A. (1985), The Effects OF Taxation on Savings and Risk Taking, *Handbook of Public Economics*, vol. I.
14. Stiglitz, J.E. (1969), The Effects of Income, Wealth and Capital Gains Taxation on Risk-taking, *Quarterly Journal of Economics* 83, 262-283.

